

نجف دریابندری

نخ بست

شرح چند نظریه در افسانه‌شناسی
و نقد یک اصطلاح



تهران، ۱۳۹۹

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۹	۱ افسانه و حقیقت
۲۴	۲ «میت» یعنی چه؟
۳۴	۳ «میت» در فرهنگ غربی
۴۱	۴ نظریه کاسیرر در افسانه‌شناسی
۶۵	۵ انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی کاسیرر
۸۰	۶ مردم‌شناسی میدانی
۸۸	۷ نظریه کارکردی مالینوفسکی
۹۹	۸ افسانه‌شناسی میرچا الیاده
۱۱۳	۹ تفسیر آفرینشی الیاده
۱۲۷	۱۰ افسانه مارکسیستی ژرژ سورل
۱۳۷	۱۱ افسانه در گروه دورکم
۱۴۵	۱۲ ساختارنگری لوی استروس
۱۶۱	۱۳ لوی استروس: گذار از افسانه به عقل
۱۷۴	۱۴ کاوشی در سابقه «افسانه»
۱۸۷	۱۵ «اسطوره» از کجا آمد؟
۱۹۵	۱۶ چند نتیجه

- ۱۷ چند برهان غیر قاطع ۱۹۹
- ۱۸ دو برهان دیگر ۲۱۰
- ۱۹ تعارض در افسانه ۲۱۷
- ۲۰ فرجام کار اسطوره ۲۲۲

- پیوست‌ها: ۲۲۹
- نام‌نامه ۲۳۱
- واژه‌نامهٔ انگلیسی - فارسی ۲۳۳
- واژه‌نامهٔ فارسی - انگلیسی ۲۳۷
- نمایه ۲۴۱

افسانه و حقیقت

چون ندیدند حقیقت رو افسانه زدند

— حافظ

چنین به نظر می آید که در روزگاران کهن مردمان جوامع ابتدایی به جای آن کارهایی که امروز به نام تفکر دینی و تفکر فلسفی و تاریخ نگاری و پژوهش و توضیح علمی شناخته می شوند به تخیل می پرداخته اند. افسانه سرایی هم چیزی جز به زبان آوردن تخیلات نیست؛ پس باید گفت که در آغاز راهی که به فرهنگ امروزی می رسد پدیده افسانه محل تجلی و نحوه بیان آن تجربه های اساسی بشری — دین، فلسفه، تاریخ، علم — بوده است.

می دانیم که این رشته ها سپس به مفهومی به نام «حقیقت» می رسند و خود را نماینده یا جوینده آن اعلام می کنند. حال اگر بگوییم انسان با اندیشیدن به حقیقت می رسد، معلوم می شود که در طلوع آگاهی بشری میان اندیشیدن و افسانه سرایی تمایز بارزی وجود نداشته است؛ به عبارت دیگر، انسان با افسانه سرایی می اندیشیده است. این دوره از سرگذشت انسان را مردم شناسان دوره «اندیشه افسانه ای» نامیده اند.

تفاوت اساسی افسانه با آن رشته‌هایی که از آن سرچشمه می‌گیرند و در جست و جوی حقیقت برمی‌آیند در این است که در ارزیابی افسانه نمی‌توان پرسید که تا چه اندازه راست است یا دروغ؛ همین که بخواهیم راست و دروغ افسانه‌ای را معلوم کنیم، یا به عبارت دیگر آن را اثبات یا ابطال کنیم، خواهیم دید که موضوع بررسی تغییر ماهیت داده است و آنچه در دست داریم دیگر افسانه نیست؛ برگی است از تاریخ، یا قضیه‌ای است در فلسفه یا منطق، یا فرضیه‌ای است در یک رشته علمی، که ممکن است اثبات پذیر یا ابطال پذیر باشد.

با این حال می‌بینیم که در جوامع انسانی همه افسانه‌ها از لحاظ ارزش یا اعتبار در یک تراز قرار نمی‌گیرند؛ به آسانی می‌توان پاره‌ای از آن‌ها را «زنده» و پاره‌ای دیگر را «مرده» ارزیابی کرد. افسانه زنده افسانه‌ای است که مردم قوم یا قبیله به آن باور دارند و آیین‌های آن را به جا می‌آورند. خود مفهوم «باور» نشان می‌دهد که آن مردم نوعی حقیقت در افسانه زنده می‌بینند و آیین‌های آن کارکردی در زندگی آن‌ها دارد، یا برای آن‌ها لذت بخش است. افسانه با آن که بر حسب تعریف حقیقتی در بر ندارد، تا زمانی که زنده است عین حقیقت پنداشته می‌شود. پس در اندیشه افسانه‌ای، در اندیشه انسانی که افسانه می‌سازد و به افسانه باور دارد، حقیقت آن چیزی است که حقیقت پنداشته می‌شود — تا زمانی که انسان در صدد اثبات یا ابطال آن بر نیامده است؛ زیرا که هر کوششی برای اثبات افسانه به مرگ آن می‌انجامد. افسانه مرده افسانه‌ای است که دیگر حقیقت پنداشته نمی‌شود و

باید جای خود را به افسانه دیگری بدهد، که آن هم دیر یا زود باید همان آزمایش مرگ و زندگی را از سر بگذراند. به نظر می‌آید که در همین روند مرگ و زایش افسانه‌هاست که سرانجام انسان اندیشه افسانه‌ای را پشت سر می‌گذارد و سر از اندیشه انتقادی یا عقلی در می‌آورد. اما خواهیم دید که این گذار به معنای گسست میان آن دو نحوه اندیشه نمی‌تواند باشد؛ همیشه راهی از جهان افسانه به جهان حقیقت باقی می‌ماند.

پیداست که رابطه افسانه با حقیقت امری است که میان دو تصور ذهنی واقع می‌شود، نه در واقعیت بیرونی؛ رابطه‌ای است که سوزن نشان کردن و مشخص ساختن حدود آن به هیچ وجه آسان نیست. در عین حال، خواهیم دید که این رابطه باریک و گریزان در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری نقش بسیار ثمربخشی بر عهده داشته است و دستاوردهای بزرگ انسان متمدن — دیانت، هنر، فلسفه، علم — و آن مقدار تسلطی که انسان با فن‌آوری بر محیط خود به دست آورده است از همین رابطه سرچشمه می‌گیرد. از این رو کند و کاو در معنای افسانه و در این که اندیشه افسانه‌ای چه گونه به حقیقت می‌رسد، از سر آغاز تمدن همواره از مشغله‌های انسان متفکر بوده است.

نخستین نکته‌ای که در این کند و کاو معلوم می‌شود این است که در دوره اندیشه افسانه‌ای موضوع و مضمون افسانه حد و مرزی ندارد و از آفرینش زمین و آسمان و کارهای خدایان تا تأسیس تمدن‌ها و شهرها، و سرگذشت دودمان‌های پادشاهان و فرمان‌روایان و سرداران و پهلوانان و دانایان و پیش‌گویان